



## برخی از ملاها بر خدا تهمت می بندند

متأسفانه آنچه برخی از ملاها می گویند، بر خدا تهمت می بندند و چهره خود و اسلام هر دو را زشت می سازند! می گویند مردی که چهره بسیار زشت داشت و کردارش زشت تر از چهره اش بود در خانه نشسته آینه ای به دست داشت و در آن نگاه کرده می گفت: خدایا شکر که مرا جمالی به غایت زیبایی و کمالی به غایت خوبی عطا کردی. غلامش برای اینکه خنده نکند و گرفتار زشت کرداری ارباب نشود از خانه بیرون رفت. از روی تصادف مردی از غلام پرسید: "اربابت کجاست و در چه کاری مشغول است؟" غلام گفت: "در خانه نشسته است، آینه را نگاه می کند و بر خدای تهمت می بندد!"

آن مرد پرسید: "چه گونه؟" و غلام پاسخ داد که تو میدانی که خدا او را چهره زشت و کرداری زشت تر از چهره اش داده است، ولی او در برابر خدا به جمال و کمال خود می نازد و این کاری نیست جز تهمت بستن بر خدا! متأسفانه برخی از ملاهای ما با دانش اندک و غفلت کامل از تاریخ اسلام و شأن نزول آیات کلام الله با تبلیغ خشونت افراطی نه تنها چهره خود را که چهره اسلام را نیز زشت و نا زیبا می سازند. و از میان اینان ملایی است که آیه چهارم سوره محمد را نیمه تلاوت و به نیمه اول آیه استناد می کند و نیمه دوم را به اصطلاح قمار بازان سرپت تیر می کند. من نخست روش اسلام را با استفاده از منابع فقه و شیوه عمل حضرت پیامبر اکرم و اصحابش روشن می کنم و آنگاه به تصرف ناروای این آخذ در کلام خدا(ج) می پردازم.

قرآن کریم به پیامبر اکرم در آیه ۱۰۷ سوره الانبیاء ارشاد می فرماید که: "ما ترا نفرستادیم مگر رحمت بر عالمیان". آری دین اسلام برای تمام بشریت است و این دین بر سه محور اصلی استوار است. محور اسلام یعنی تسلیم شدن به خدا، محور ایمان یعنی اعتقاد به توحید خدا و رسالت پیامبران و ایمان به روز قیامت و دیگر عناصری که در آمنت بالله شریف وارد شده است و محور احسان یعنی نکویی کردن با همه مخلوقات خدا و در صدر همه نکویی با انسان ها، به همین جهت است که در اسلام اکراه در دین وجود ندارد و آدم نمی تواند مردم را به اصطلاح سوته مسلمان بسازد.

چون پیامبر اکرم (ص) رحمت خدا بر عالمیان است بنا بر این رحمت و مهربانی بر دیگران یکی از محورهای دین است. اسلام دین صلح است، ولی پاسفیت نیست که به نام صلح به دشمنان اسلام تسلیم شود. اسلام از همان آغاز کار خویش درفش مبارزه بر ضد بردگی را بالا کرد و به غیر از بردگی جنگی دیگر هیچ نوع بردگی را قبول نکرد. اسلام دین فطرت است و چون بردگی در یک مرحله تیر کمر اقتصادی جهانی بوده است

اسلام به شیوه تدریجی و گام به گام خواسته است با این نظام ضد کرامت انسان مبارزه کند. هم مبارزه فکری و هم مبارزه عملی. حضرت رسول مقبول گفته است: " شر الناس من باع الناس " بدترین مردم کسانی استند که انسان ها را می فروشند" (این حدیث شریف را مخصوصاً دختر فروشان و قلین بگیران جامعه ما بخوانند) اسلام در برابر برخی لغزش ها آزادی بردگان را توصیه می کند. (مراجعه شود به آیه سوم المجادله، آیه هشتاد ونهم المائده و آیه نود و دوم النساء) مؤرخان اسلام همه بدون شک و شبهه به یک زبان نوشته اند که رسول کریم پیش از مرگ همه بردگان را که دیگران برایش فرستاده بودند آزاد کرد. اصحاب او نیز، و به طور خاص حضرت ابوبکر و حضرت عثمان (رض) به تناسب ثروتی که داشتند بردگان را خریده اند و آزاد کرده اند. در فقه اسلام برای آزادی بردگان قوانین خاص وجود دارد به طور مثال قانون کفاره گناه، قانون ضرب و تنکیل یعنی اگر کسی برده اش را می زند و یا به جبر وادار به کاری غیر شرعی می کند آن برده به فرمان قاضی آزاد می شود. قانون سرایت اگر یک برده را چند نفر به شراکت می خرند و آنگاه یکی از شرکاء سهم خود را آزاد می کند، این آزادی به همه سرایت می کند و دیگران تشویق می شوند که از سهم خود بگذرند و یا دیگر مسلمانان به پرداختن سهم شان برده را آزاد می کنند. قانون استیلاذ اگر کنیزی از ارباب خود ولد (پسر یا دختر) به دنیا می آرد او را ام الولد می گویند و او آزاد است. رسول کریم به قول فتوح البلدان بلانری بعد از غزوه هوازن ۶۰۰۰ تن اسیر جنگی را بدون تاوان و غرامت آزاد کرد. جناب آخذ ما بر روی جماع بدون نکاح با نوعی رغبت شهبانی بسیار تأکید می کند، من آیه سی و سوم سورة النور را به خاطرش می آرم که می گوید: "ولا تُکْرهُوا فِتْنَاتِكُمْ عَلَی الْبِغَاءِ" یعنی کنیزان خود را به فحشا مجبور نسازید و میدانیم که بدون نکاح معنایش همان وادار ساختن کنیز می شود که حکم زنای به عنف یا تجاوز جنسی را دارد. و اما حدیثی دیگر نیز از رسول مقبول (ص) وجود دارد که گفت: "اگر کسی غلام خود را بکشد ما او را می کشیم و اگر عضوی از پیکرش را قطع کند، عضوی از پیکرش را قطع می کنیم و اگر غلام خود را خصی یا اخته کند او را خصی یا اخته می کنیم (این حدیث را سنن کبرای نسایی و سنن ابوداود هر دو نقل کرده اند) و در پرتو همین حدیث شریف است که فقیه مشهور سرخسی در المبسوط خود می گوید: "واذا قتل الحر المملوک عمداً فعليه القصاص عندنا " اگر مردی آزاد برده خود را از روی قصد بکشد نزد ما برای او حکم قصاص است.

طبری در باره اخلاق این پیامبر رحمت و مهربانی می نویسد که پس از پیکار بدر حضرت عمر بن خطاب به پیامبر (ص) گفت: "ای رسول خدا، من میخواهم دو دندان الاشته زیرین سهیل بن عمرو را بکشم تا در هیچ مقامی نتواند بر ضد تو به سخنرانی برخیزد!" پیامبر خدا فرمود: "هیچ گاه مثله کردن را بر او روا نمیدارم که خدا مرا - هر چند پیامبرش استم - مثلی او مثله خواهد کرد." (این روایت طبری را نیز آنان که با شیوه های انتحاری خود و دیگر مسلمانان را به بدترین شیوه مثله یا قطعه قطعه می کنند خوب به دقت بخوانند و ببینند که چهره اسلام محمد (ص) را تا کجا در ذهن مردم زشت ساخته اند.)

و اما اینک می پردازم به آیه چهارم سورة محمد که ملای ما آنرا دستاویز خشونت و قساوت قلب ساخته است: این آیه در میدان جنگ اُخذ نازل شد که در گرماگرم جنگ کفار فریاد می زدند که اعل هبل یعنی هبل عالی است و رسول خدا به مسلمانان دستور داد که بگویند خدا اعلی و بزرگ است. در این آیه مسلمانان به جنگ تشجیع می شوند

و برای شان گفته می شود: "چون با کافران در جنگ افتادید گردن های شان را بزنید، بند های اسارت شان را استوار دارید".

(این از میدان جنگ)، ولی این پایان آیه نیست زیرا وقتی که مسلمانان پیروز می شوند و نیروی دشمن قَلَج می شود حکم در برابر اسیران جنگ چیز دیگر است که جناب مولانا از آن چشم بسته میگذرد. قسمت دوم آیه حکم در باره اسیران جنگ است و می گوید: "آنگاه پس از آن (یعنی پس از پیروزی) آنان را به احسان یا فدیة ای رها کنید تا اهل جنگ سلاح بر زمین بنهند (این حکم است) و اگر خداوند میخواست از آنان انتقام می گرفت ولی میخواست برخی از شما را با برخی دیگر بیازماید (یعنی مسلمانان را در بخشندگی و احسان می آزماید و کافران را در پشیمانی از کفر و ستیزه گری) و خدا اعمال کسانی را که در راه خدا کُشته شدند ناپود نمی کند." جناب مولانا فکر نمی کند که اگر حکم خدا (ج) بر بستن و کُشتن بود، رسول مقبول(ص) چرا بعد از فتح مکه نه کسی را کُشت و نه کسی را به بردگی و کنیزی گرفت. نتیجه احسان مسلمانان، مسلمان شدن کافران و سلاح نهادن شان بر زمین بود و انگهی اگر بردگی تا قیام قیامت از میان نمی رود، پس تلاش محمد(ص) و یارانش در راه آزاد ساختن بردگان تلاشی عبث بوده است. من معمولاً با دیگران وارد جر و بحث نمی شوم، اما مجبورم در این گونه حالات که یک ملا با نقل قول ناقص از قرآن چهره خود و چهره اسلام را زشت و کریه می سازد مینای سکوت را بر زمین بزنم و بشکنم. من ناگزیر تقاضای خود را تکرار می کنم که جامعه باید جواز امامت و تبلیغ را از این گونه ملا ها که از تاریخ و فقه اسلام هیچ اطلاع دقیق ندارند و با بی صلاحیتی خود را برمسند فتوی نصب می کنند باز گیرد که این به خیر اسلام و مسلمانان هر دو است. راست گفته اند که اسلام از دست دشمنان دانا و دوستان نادان خوار می شود. فاعتبروا یا اولی الابصار.

۲۸ دسمبر ۲۰۱۵ م - برمنگهم نگارگر

